



(سیمای زن در اشعار احمد شاملو و فروغ فرخزاد)

دیالوگ ادبیات و قدرت

فریبا ملاجعفری



دیالوگ ادبیات و قدرت

(سیمای زن در اشعار احمد شاملو و فروغ فرخزاد)



هزاره سوم اندیشه

سرشناسه	: ملاجعفری، فریبا، ۱۳۶۵-
عنوان و نام پدیدآور	: دیالوگ ادبیات و قدرت (سیمای زن در اشعار احمد شاملو و فروغ فرخزاد)/ فریبا ملاجعفری؛ ویرایش شاهین احمدپور.
مشخصات نشر	: تهران: هزاره سوم اندیشه، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۳ ص: ۵/۱۴ × ۵/۳۱ س.م.
شابک	: 978-622-94290-8-2
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۱۳۵] - ۱۴۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر	: سیمای زن در اشعار احمد شاملو و فروغ فرخزاد.
موضوع	: زنان در ادبیات (Women in literature)
موضوع	: شاملو، احمد، ۱۳۰۴ - ۱۳۷۹ -- نقد و تفسیر
موضوع	: Shamlu, Ahmad -- Criticism and interpretation
موضوع	: فرخزاد، فروغ، ۱۳۱۳ - ۱۳۴۵ -- نقد و تفسیر
موضوع	: Farrokhzad, Forugh -- Criticism and interpretation
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
	: Persian poetry -- 20th century -- History and criticism
رده‌بندی کنگره	: ۴۰۰۹ PIR
رده‌بندی دیوبی	: ۰فا/۸۳۵۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۹۱۳۸۴۹



شرکت هزاره سوم اندیشه

دیالوگ ادبیات و قدرت

(سیمای زن در اشعار احمد شاملو و فروغ فرخزاد)

فریبا ملاجعفری

• ویرایش: شاهین احمدپور

• طرح جلد: محسن توحیدیان • صفحه‌آرایی: آرمیتا رفیع‌زاده

• چاپ و صحافی: قشقایی

• نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲ • تعداد: ۳۰۰ نسخه

• قیمت: ۹۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۴۲۹۰-۸-۲

ناشر: شرکت هزاره سوم اندیشه

• تلفن: ۰۶۶۹۷۲۸۷۰ • همراه: ۰۹۱۲۷۱۷۳۹۲۴

• فروشگاه اینترنتی: www.hsap.ir

• پست الکترونیکی: hsapub@gmail.com

• کلیه حقوق این کتاب برای ناشر محفوظ است.

به همسر مهدی برای حضور
مهربان و انسانی اش...

فهرست

۷.....	مقدمه
۲۱.....	۱. پیشینه تفکر درباره زن در فرهنگ ایران
۲۱.....	بخش اول: سیمای زن در ایران باستان
۲۱.....	اسطوره
۲۵.....	تاریخ ایران باستان
۲۹.....	متون مقدس
۳۲.....	بخش دوم: سیمای زن در اسلام
۳۲.....	قرآن
۳۶.....	متون عرفانی اسلامی
۴۰.....	بخش سوم: سیمای زن در آثار ادبی دوره کلاسیک
۴۱.....	متون ترجمه شده
۴۳.....	متون ادبی ملی
۵۷.....	بخش چهارم: سیمای زن در دوره مشروطه خواهی
۶۵.....	۲. مرا از زره نوازشت رویین تن کن
۶۵.....	تحلیل اشعار احمد شاملو

- ۶۷.....سیمای زن در سطح توصیف
- ۷۷.....سیمای زن در سطح تفسیر
- ۷۷.....بافت موقعیتی و نوع گفتمان
- ۸۴.....بافت بینامتنی و پیش فرض‌ها
- ۸۹.....سیمای زن در سطح تبیین
۳. در شب کوچک من دلهره ویرانی است ۹۵
- ۹۵.....تحلیل اشعار فروغ فرخزاد
- ۹۶.....سیمای زن در سطح توصیف
- ۱۰۶.....سیمای زن در سطح تفسیر
- ۱۰۷.....بافت موقعیتی و نوع گفتمان
- ۱۱۸.....بافت بینامتنی و پیش فرض‌ها
- ۱۱۹.....سیمای زن در سطح تبیین
۴. نتیجه‌گیری ۱۲۷
- منابع ۱۳۷

مقدمه

مخاطبان این کتاب با دو محور اصلی روبه‌رو هستند. محور اول ناظر موقعیت اجتماعی، تاریخی زن و مسائل پیرامون آن است. محور دوم مباحث علمی و نظریه‌های گفتمان کاوی به‌ویژه مدل فرکلایف را شامل می‌شود؛ بنابراین، در این کتاب جایگاه زن ایرانی در بطن یک الگوی مهم و ارزشمند مورد بررسی قرار خواهد گرفت. اهمیت این نظریه برای این است که مفاهیم زبان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه در پیوند با یکدیگر عمل خواهند کرد و دستاوردهای نهایی از تحلیل این دو محور حاصل می‌شود.

یکی از جنبه‌های مهم تاریخ اجتماعی ایران که در سده‌های کهن، بسیار اندک مورد مطالعه قرار گرفته، موقعیت زنان در جامعه ایرانی است.

بررسی سیمای زن در شعر فارسی مسئله‌ای است که از دوره مشروطه و شاعران پس‌از آن به‌طور جدی مورد توجه قرار گرفت؛ دلیل این امر این است که در ادبیات کلاسیک ایران، با چهره‌ای کم‌وبیش یکنواخت از شخصیت زن روبه‌رو هستیم؛ سیمای زن در متون کهن تا

حدی کم‌رنگ و چه‌بسا نادیده گرفته شده و این امر، بی‌گمان حاصل تفکرات تثبیت شده‌ای است که در طول قرن‌های متوالی در ذهن بشر نهادینه شده و مسبب ایجاد پیش‌فرض‌هایی غیرمنصفانه و تا حدی توهین‌آمیز در خصوص زنان شده است.

در دوره معاصر به دلیل تغییر شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه نوع نگاه به زن و جایگاه او دستخوش تغییر می‌شود؛ این تغییرات بر آمده از دو رویداد سرنوشت‌ساز در تاریخ ایران است؛ نخست انقلاب مشروطه و دیگر کودتای ۲۸ مرداد. جنبش‌هایی که پیرامون و در فاصله هر یک از این دو رویداد سیاسی شکل گرفته، تحولات عمیقی را در بستر اجتماعی و فرهنگی ایران موجب شده است؛ باری، به‌هرروی، مطالعه تاریخ ایران معاصر و بررسی چرایی رخدادهای آن گامی مؤثر در جهت شناخت ادبیات معاصر خواهد بود.

برای شرح تحولات منبعت از مشروطه و همچنین کودتای ۲۸ مرداد، باید بحث را از قبل سال ۱۲۸۵ و صدور فرمان مشروطیت آغاز کرد و نگاهی گذرا به دوران صفویه انداخت. «در اوایل دوران صفویه علما مذهبی و اولاد و پیروان آن‌ها در زیر چتر حمایت مالی و سیاسی پادشاهان قرار داشتند و از این‌روی برای آن پادشاهان مشکلات سیاسی و عقیدتی به وجود نمی‌آوردند؛ اما در طول زمان پایه اقتصادی علما تقویت و از شاه و دربار بی‌نیاز گردیدند؛ وقف اعم از خیرات و یا خصوصی همچنین دریافت مالیات‌های مذهبی چون خمس و زکات به قدرت و ثروت طبقات مذهبی به میزان چشمگیری می‌افزود»^۱.

استقلال معیشتی روحانیون این امکان را برایشان فراهم ساخت تا بتوانند در امور دینی تعمق بیشتری داشته باشند؛ از آنجاکه نظام الهی شیعه

۱. کدی، نیکی آر (۱۳۷۷)، *ریشه‌های انقلاب ایران*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، چاپ دیبا، چاپ دوم، ص ۴۰-۳۹.

بر پایه تفکرات و عقلا نیات بود، روحانیون این مسلک برخی از عناصر مکتب معتزله را در آراء خود جای دادند. از جمله اعتقادات ایشان باور به عدالت به عنوان یک مفهوم عقلانی و قابل درک بود؛ بنابراین، رفته رفته الهیات شیعه تأثیر سیاسی خود را در جامعه آشکار کرد؛ «این فکر که زمامدارانی که ظلم را به جای عدل پیشه خود ساختند، به دنبال پیاده کردن اختیار خود هستند، نه اجرای اراده خداوندی، در طبیعت تفکر شیعی نهفته است»^۱.

اولین اقدام موفقیت آمیز اعتراضی و همگانی که در آن علما، تجدد خواهان، بازاریان و حتی همسران شاه حضور داشتند مربوط به تحریم عمومی علیه فروش و استعمال تنباکو در زمان ناصرالدین شاه است که در آن اتحاد همه نیروها به نمایش گذاشته شده بود. هرچند ناصرالدین شاه پس از بحران تنباکو محدودیت های سیاسی خود را بیشتر اعمال کرد اما روی هم رفته اعتراض به امتیاز تنباکو، در واقع تمرینی برای انقلاب قریب الوقوع مشروطه بود.^۲

در اواخر دوره ناصرالدین شاه با پخش مخفیانه روزنامه هایی که در خارج کشور به چاپ رسید، جریان روشنفکری سامان گرفت و هم زمان با آغاز حکومت مظفرالدین شاه اقدامات اصلاح طلبانه به صورت جدی تر دنبال شد. یکی از مهم ترین شخصیت های ایرانی مؤثر بر جریان روشنفکری، میرزا فتحعلی آخوندزاده بود. اندیشه های او بر اندیشمندان جنبش مشروطیت ایران از جمله میرزا آقاخان کرمانی، میرزا ملکم خان، طالبوف و دیگران بسیار تأثیر گذاشت. «افکار و اندیشه های غربی، به ویژه روشنگری فرانسوی، آنان را متقاعد کرد که تاریخ نه مشیت خداوندی، آن طور که علما اعتقاد داشتند و نه ظهور و سقوط ادواری سلسله های

۱. همان، ص ۴۴

۲. آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۷)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی، محمدابراهیم فتاحی، نشر نی، چاپ چهاردهم، ص ۹۵.

پادشاهی، آن گونه که وقایع نگاران درباری همواره توصیف می کردند، بلکه جریان بی وقفه بشری است.^۱ به تعبیر آبراهامیان روشنفکرانی چون میرزا ملکم خان و سید جمال الدین از سه ابزار کلیدی برای رسیدن به سه هدف و ساختن جامعه‌ای نوین استفاده می کردند: ۱. مشروطیت برای ختنی کردن استبداد شاهی؛ ۲. سکولاریسم برای بی اثر کردن جزم اندیشی مذهبی؛ ۳. ناسیونالیسم برای مبارزه با امپریالیسم خارجی.^۲ پرواضح است که هیچ کدام از روشنفکران مورد تحسین دولت قرار نگرفتند. در صفحات بعد خواهیم دید که چگونه ناسیونالیسم به سبک مصدق که هدف عمده آن آزاد کردن ایران از کنترل قدرت های بزرگ بود شکست خورد اما به صورت منبع الهام فکری طیف وسیعی از ایرانیان در آمد.

نکته ظریفی که آبراهامیان به آن اشاره می کند و با موضوع این کتاب پیوند دارد این است که چگونه روشنفکران با به کارگیری کلمات و عبارات جدید و نوسازی عبارات کهنه، ساختار نهاد قدرت و روابط درون آن را متزلزل می کنند. «آنان نه تنها واژه های غربی بسیاری مانند دسپوت، فئودال، پارلمان، دموکرات و... به فرهنگ جامعه وارد کردند بلکه به بیشتر عبارات قدیمی نیز معانی تازه بخشیدند. به عنوان نمونه، معنای استبداد از «پادشاهی» به «پادشاهی مستبد»؛ مفهوم ملت از «جامعه دینی» به مفهوم غیردینی «ملیت» و مفهوم مردم از «مردم» بدون معنای سیاسی به «مردم» دارای معنای ضمنی دموکراتیک و میهن پرستانه تغییر یافت. همین مفاهیم رادیکال طبقه تحصیل کرده جدید و عقاید شیعی ضد دولتی طبقه متوسط سنتی بود که سرانجام پیروزی انقلاب مشروطه ۱۲۸۵-۱۲۸۸ را ممکن ساخت.»^۳

انقلاب مشروطه مجموعه کوشش ها و رویدادهایی است که در دوره

۱. همان، ص ۷۹.

۲. همان، ص ۷۹.

۳. همان، ص ۶۶.

مظفرالدین شاه قاجار و سپس در دوره محمدعلی شاه برای تبدیل حکومت استبدادی به حکومت مشروطه رخ داد و منجر به تشکیل مجلس شورای ملی و تصویب اولین قانون اساسی ایران شد؛ این امر با پافشاری طبقه متوسط سستی که در قالب طبقه گسترده ملی از لحاظ اقتصادی، ایدئولوژیکی و سیاسی از هیئت حاکم جدا شده بود به سرانجام رسید. با امضای فرمان مشروطیت در سال ۱۲۸۵ه. ش مشخصه‌های مدرنیته مجال بیشتری برای ظهور پیدا کردند؛ «یکی از مشخصه‌های جدید دوران قبل و در طول انقلاب ورود تعداد زیادی از بانوان در جرگه سیاست بود. با اینکه دیرزمانی می‌گذشت که زن‌ها در شورش‌های مربوط به کمبود نان [۱۳۱۸ه. ق] شرکت کرده بودند اما اکنون به نحو فعالی در تظاهرات سیاسی شرکت نموده و حتی انجمن‌های خاص و روزنامه بانوان داشتند. این روند پس از جنگ جهانی اول، به نحو چشمگیری رشد نمود.»^۱ روزنامه‌هایی که در طول این دوره و تا مدتی پس از آن در داخل و خارج کشور چاپ می‌رسیدند، یکی از وظایف اصلی خود را انتقاد از انزوا، و بی‌خبری زن‌ها می‌دانستند و در پی آگاهی بخشیدن به مردم بودند؛ البته گاهی ممکن بود با افراط و زیر سؤال بردن بسیاری از اعتقادات مذهبی راهشان را با دشواری بیشتری بپیمایند.

باگذشت زمان روند آگاهی و روحیه میهن‌پرستی مردم، سیر صعودی به خود گرفت. «رشد احساسات ناسیونالیستی و رادیکالی در دوران پس از جنگ [جهانی دوم] تنفر ایرانیان را از اینکه چرا باید شرکت مزبور کنترل امور سیاسی و اقتصادی جامعه را در دست داشته باشد افزایش داد. شرکت نفت ایران و انگلیس به‌عنوان یکی از عوامل و راه‌های مهم نفوذ و کنترل انگلیس بر ایران قلمداد می‌گردید. احساسات همگانی مردم و تظاهرات به‌گونه‌ای بود که مجلس به‌طور کامل موضعی متمایل به

مصدق اتخاذ نمود و در ماه مارس ۱۹۵۱ میلادی ملی شدن صنعت نفت به تصویب مجلس رسید؛ بلافاصله پس از این قضیه، مصدق به جای حسین علاء که منتخب شاه بود به مسند نخست‌وزیری نشست.^۱

مصدق در طول نخست‌وزیری خود بسیار محبوبیت داشت و بزرگ‌ترین سرمایه‌اش حمایت مردمی بود؛ این امر دلایل بسیاری داشت. وی در طول نخست‌وزیری خود تلاش کرد تا اختیارات و قدرت شاه را محدود نماید. «او به‌عنوان نماینده بی‌باکی که با کودتای ۱۲۹۹، دیکتاتوری رضاشاه و نفوذ خانواده سلطنتی مخالفت کرده بود، به‌عنوان دولتمردی که همواره با امتیازهای خارجی مخالفت می‌کرد به وطن‌پرستی واقعی و بدون وابستگی‌های خارجی شهرت یافت... اما قدرت مصدق ناپایدار و غیرواقعی بود؛ زیرا مصدق با کسب پیروزی‌های جدید، متحدان پیشین خود را از دست داد. او شادمان از نتیجه همه‌پرسی، نمی‌دانست که گروهی از افسران ارتش دست‌اندرکار طراحی کودتا هستند. پیروزی آسان کودتاگران دو علت داشت: گسترده شدن شکاف میان طبقات سنتی و متوسط درون جبهه ملی؛ و جدایی روزافزون افسران از نهادهای حکومتی غیرنظامی و نارضایتی آنها».^۲

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که منجر به واگذاری نیمی از سهم منابع نفتی ایران به شرکت‌های بزرگ نفتی دنیا شد، به گونه قابل‌درکی زخم عمیقی بر پیکر افکار عمومی ایران باقی گذاشت که اثرات آن، با شدت‌های گوناگون در زمان‌های مختلف، ادامه یافته است؛^۳ «شاه در دهه نخست، پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، قدرت خود را تثبیت کرد و رهبران کودتا را به مناصب کلیدی گمارد».^۴ در طول این سال‌ها مشارکت

۱. همان، ص ۲۰۴.

۲. آبراهامیان، همان، ص ۳۲۰ و ۳۳۸.

۳. کدی، همان، ص ۲۱۴.

۴. آبراهامیان، همان، ص ۵۱۵.

مردم در اتخاذ تصمیمات مملکتی و در پی آن آزادی بیان نیز در عمل کاهش یافت و ارتجاع و استبداد بار دیگر بر کشور مسلط شد. عوامل متعددی چون تصمیم شخص مصدق، خیانت خائنین و درنهایت دخالت بیگانگان به وقوع این حادثه کمک کرد اما بیان آن نیازمند شرح بسیاری است که در این مقدمه نمی‌گنجد. پس از این رخداد بود که خودرأیی و دیکتاتور منشی شاه مورد تأیید غرب قرار گرفت، چراکه غریبان معتقد بودند در این صورت منافع ایشان با خطر کم‌تری روبه‌رو خواهد شد. حدود چهار سال پس از این واقعه سازمان وسیعی برای حفظ امنیت داخلی با اسم اختصاری ساواک تشکیل شد. ادامه بسط فضای اختناق در کشور موجب شد تا امیدهای بسیاری که به ایجاد یک فضای باز سیاسی در کشور منتهی می‌شد به فراموشی سپرده شود.

«در طول سال‌های ملی کردن صنعت نفت، بحران‌های اجتماعی و اقتصادی در ایران تشدید یافته و ناآرامی‌های عمومی که در قالب حرکت‌های گوناگونی سازمان یافته بود، افزایش یافت.»^۱ «پس از کودتا، طی چهار سال بعدی مخفیگاه‌های حزب توده به تدریج کشف می‌شد، نیروهای امنیتی چهل مقام حزبی را اعدام کردند، ۱۴ نفر را زیر شکنجه کشتند، دویست نفر را به حبس ابد محکوم و بیش از ۳۰۰۰ تن از اعضای عادی حزب را دستگیر کردند.»^۲

هنگامی که شرایط جامعه بحرانی می‌شود، توجه مردم بیشتر به سمت مفاسد اجتماعی، بی‌عدالتی و مبارزه علیه آن جلب می‌شود. گاهی قشر آگاه جامعه پناهگاهی امن می‌جوید تا به آغوش آن پناه برند و خستگی را از تن خود بزایند. در این زمان است که ادبیات جامعه از شرایط بیرونی تأثیر می‌پذیرد و گاه شعرها و نمایش‌نامه‌ها و داستان‌ها

۱. کدی، همان، ص ۲۰۶.

۲. آبراهامیان، همان، ص ۳۴۵.

به صورت تربیون سیاسی به منظور بیان این قبیل مطالب درمی آیند؛ در اشعار دوران انقلاب مشروطه و پس از آن تا اواسط دوره پهلوی همواره از این قبیل مضامین به چشم می خورد. گرچه ناگفته نماند، بیشتر نویسندگان و روشنفکران یا عضو حزب توده بوده اند و فعالیت حزبی می کردند و یا گرایش های چپ گرایانه داشتند. ادبیات، برای انتقاد از آداب و رسوم متحجرانه اجتماعی وسیله مناسبی است و به دلیل میزان تأثیرپذیری اش در قلب ها همیشه موجب نگرانی درباریان و سیاستمداران وابسته به دولت بوده است و بی شک سرکوب قانون نویسندگان در سال ۴۳ نیز از نتایج همین ترس بود. «این گونه انتقاد اجتماعی در ادبیات مدرن ایران، از زمان «سفرنامه ابراهیم بیگ» تا امروز فراوان است. نکته قابل توجه این است که یکی از قوی ترین نکات مورد حمله عمومی، چه توسط نویسندگان مرد و چه توسط نویسندگان زن، و چه در نثر و چه در نظم، موقع و منزلت پایین زن در جامعه بوده است. اگرچه مؤلفین دوره های مختلف، و آن ها که نظرگاه های متفاوتی دارند، در مورد راه حلی که ارائه می دهند اختلاف نظر دارند؛ بنابراین شرایط بسته جامعه موجب پیدایش فضایی ویژه در بین روشنفکران، نویسندگان و شعرا شده است و در همین فضای خفقان آور و محزون بود که بسیاری از آثار بزرگ ادبی معاصر ایران شکل گرفت. به دیگر سخن، «هرچند مبارزه ملت ایران شکست خورد اما کودتا نتوانست درک و آگاهی ملی مردم و آثار تاریخی آن را مخدوش کند. از نظر حقوقی نیز، با همه کوشش ها و زد و بندها نتوانستند اصل ملی شدن نفت را نفی نمایند».^۲

«پایان دولت علم، پایان یک دهه پردرد از تاریخ ایران بود که از

۱. کدی، همان، ص ۲۹۳.

۲. گازیورسکی، مارک، ج (۱۳۶۸) ۲۸ مرداد، ترجمه غلامرضا نجاتی، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ص ۱۰.

کودتای ۲۸ مرداد آغاز شد. در آغاز این دهه، شورها، حال‌ها و حماسه‌ها پایان گرفت. شاعران و نویسندگان آگرنه در گوشه زندان که در گوشه‌های عزلت بودند، دیگر نه نیما «او را صدا بزن می‌سرود» نه هوشنگ ابتهاج «دختر خورشید» را. شاملو سال بد را تصویر می‌کرد که سال شک و اشک بود. تصویر پایان این دهه را فروغ باقی گذاشت. او تازه به میدانی فراخ در شعر رسیده بود، بیان و اندیشه‌ای سوای دیگران داشت. او از نهایت شب حرف زده — تصویر روشنی از آن روزگاران — : من از نهایت تاریکی / و از نهایت شب حرف می‌زنم.^۱

زنان در جنبش مشروطه با بالا بردن سطح آگاهی و بیرون آمدن از انزوای تاریخی خود سهم بسیاری در پیروزی این نهضت داشته‌اند؛ گویی، همین زنان دانش‌آموخته و مبارز بودند که توانستند پناهگاه پناه‌جویانی باشند که به هر وسیله درآشفتنگی‌های پس از مرداد ۳۲ به آغوش آن‌ها گریخته‌اند.

باید دانست که در یک نظام سیاسی، اجتماعی واحد، گفتمان‌های حاکم تغییر نخواهد کرد مگر اینکه جامعه دچار تحولاتی بنیادین شود. گفتمان‌های زن‌ستیز از جمله این گفتمان‌هاست که تا زمانی که ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه اجازه ندهد، دگرگون نخواهد شد؛ این امر در ایران همان‌طور که اشاره شد با انقلاب مشروطه و حوادث مرتبط آن همراه شد؛ به عبارت دیگر، مجموعه اقدامات و مبارزاتی که برای دستیابی به آزادی و حقوق برابر صورت گرفت، باعث شد که زنان نیز در این فرآیند، به آگاهی و شناخت بیشتری از موقعیت خود در جامعه دست یابند و درصدد تغییر آن باشند. به دیگر سخن، ارائه تصویر متفاوت از زن به علت تغییر شرایط اجتماعی و سیاسی ایران پس از مشروطه است

۱. بهنود، مسعود (۱۳۹۰)، *از سید ضیا تا بختیار*، انتشارات دنیای دانش با همکاری انتشارات جاویدان، چاپ سیزدهم، ص ۴۹۵

که سبب ایجاد گفتمان جدیدی در اشعار دوره معاصر شده است. از آنجاکه این تحول شناختی، منبعث از تغییرات بنیادین اجتماعی در ایران است، شایسته توجهی روشمند و علمی است.

مطالعه تاریخ معاصر ایران می‌تواند راهگشای تحلیل بسیاری از متون این دوره از رهگذر نظری باشد. علوم انسانی دربردارنده آراء نوین بسیاری است که هر یک به فراخور خود رویداد و یا متن خاصی را مورد واکاوی قرار می‌دهند؛ در این میان، تحلیل گفتمان^۱، رهیافتی است که در مطالعات نظری مورد توجه قرار گرفته است؛ چراکه زمینه مساعد برای مطالعه زبان را از وجوه مختلف زبانی، فرهنگی، تاریخی در نظر داشته است.

در شکل‌گیری رویکردهای تحلیل گفتمان دیدگاه‌های زبان‌شناسان نقش‌گرا تأثیر بسزایی داشته است. از آنجاکه گفتمان‌ها بر سازنده روابط موجود در جامعه است و متن‌ها آینه این تأثیرات هستند. مطالعات گفتمان‌کاوی متون ادبی تأثیر قدرت و ایدئولوژی حاکم در جامعه را بر روی بافت‌های زبانی و اجتماعی نشان می‌دهد. سعی نویسنده در این کتاب این است که با نگاهی جامعه‌شناسانه و زبان‌شناختی، از طریق شیوه تحلیل گفتمان انتقادی^۲، این مسئله را بررسی کند.

نظریه تحلیل گفتمان انتقادی، رویکردی بینارشته‌ای در علوم اجتماعی و زبان‌شناسی است. این رویکرد، در یک بعد زبانی و ساختاری به شکل و صورت متن توجه دارد و در بعد دیگر خود به چگونگی تأثیر عوامل محیطی، نظیر سیاست، ایدئولوژی و روابط قدرت و... بر متن می‌پردازد؛ چراکه زبان به‌مثابه عملی اجتماعی با ایدئولوژی گره خورده است و گفتمان‌ها به‌وسیله این روابط شکل می‌گیرند. این نظریه ره‌آورد تفکر پست‌مدرنیسم است که ریشه در آراء میشل فوکو^۳ دارد. آثار وی منشأ

1. Discourse analysis

2. Critical Discourse analysis

3. Foucault, M (1926-1984)

تظریاتی است که تحت عنوان گفتمان مطرح شده است. تحلیل گفتمان انتقادی با آرای افرادی چون تئون فون دایک^۱، روث وداک^۲ و فرکلاف^۳ به اوج رسید. آنچه این رویکرد را از دیگر مطالعات متمایز می‌کند، جامع بودن حوزه‌های بررسی در تحلیل است.

قدرت و ایدئولوژی همیشه از سوی نهادهای حاکم چون دولت و کارگزاران بر جامعه تحمیل نمی‌شود. اگرچه به‌هیچ‌وجه نمی‌توان این اصل را انکار کرد که سازمان‌های نام‌برده به دلیل آنکه بیشترین میزان دسترسی را به گفتمان‌های رایج، در اختیار دارند، می‌توانند با به‌کارگیری ابزارهای هژمونی، تخصص موجود در میان عناصر و ابعاد مؤلفه‌ها را به نفع خود مفصل‌بندی و جایگذاری کنند. سنت، آداب و رسوم، همچنین مذهب بی‌آنکه از جانب مراجع عالی حاکم بر جامعه هدف‌گذاری شود، با گذشت زمان می‌تواند لوازم بسط یک تفکر و ایدئولوژی خاص را در جامعه ایجاد کند. گسترش یک نوع تفکر خاص در جامعه به تدریج می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد قدرت در نهادهای گوناگون اجتماع شود که در نهایت به ریشه‌دار شدن پیش‌فرض‌هایی در فرهنگ منجر خواهد شد؛ بنابراین برای اینکه بتوانیم چهره‌ای شفاف از متون ارائه دهیم باید غبار ذات‌انگاری را از مؤلفه‌های گفتمانی بزداییم و قدرت تثبیت‌شده و نهفته در اثر را آشکار نماییم.

درباره جایگاه تحلیل گفتمان در ایران باید گفت که با وجود اهمیت این رویکرد در بررسی‌های علمی، این نظریه همچنان از دید پژوهشگران به دور مانده است؛ در صورتی که این نگره را می‌توان مکمل دیدگاه‌های علمای بلاغی چون زمخشری و جرجانی دانست؛ چراکه در آن رهیافت‌هایی مشابه با آرای زبان‌شناسان سنتی دیده می‌شود. پرواضح است که منظور از تحلیل گفتمان در این کتاب، آراء و آثار متفکرین غربی است

1. Van Dijk, T.A. (1943)

2. Wodak, Ruth (1950)

3. Fairclough, Norman (1941)

و از آنچه در سنت زبان‌شناسی سنتی به صورت علم خطابه و بلاغت محقق شده است، فاصله گرفته‌ایم.

با آگاهی بر اینکه زبان کارکردهای مختلفی دارد و هرگاه به آن به‌عنوان مقوله‌ای اجتماعی نگریسته شود با ادبیات گره می‌خورد؛ در این قسمت نگارنده بر آن است تا به یاری مبانی نظری به تحلیل سیمای زن در اشعار شاملو و فرخزاد — دلایل اجتماعی، سیاسی و البته ادبی دارد که در متن کتاب به صورت مفصل به آن پرداخته می‌شود. اگر بخواهیم از بررسی دیدگاه صورت‌گرا به شعر که آن را همچون متنی بسته و مستقل از آفریننده، بافت و خواننده می‌نگرد عبور کنیم، دیدگاه جامع‌تری پیش روی تحلیل‌گر قرار می‌گیرد که شعر را در چارچوب یک ارتباط شعری مدنظر قرار خواهد داد.

از آنجاکه در هر تعاملی ممکن است چند گفتمان هم‌زمان در متن شکل بگیرد، برای این‌که بتوان تحلیل منسجمی از متن ارائه داد، بهتر است، یک گفتمان خاص مورد بررسی قرار گیرد و با یاری مباحث نظری به تحلیل گفتمان سیمای زن در اشعار احمد شاملو و فرخزاد پرداخته می‌شود. در این کتاب با پاسخ این پرسش روبه‌رو می‌شویم که آیا رویکرد شاعران متأثر از جنسیت آن‌ها بوده یا خیر.

شایان ذکر است، تکیه تحلیل‌های گفتمان کاوانه بر پایه مدل فرکلاف انجام می‌گیرد. این مدل، به روشمندترین الگو در مطالعات تحلیل گفتمان انتقادی شناخته شده است که متن را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی می‌کند.

شاملو و فرخزاد از بزرگ‌ترین شاعران معاصر ایران هستند که بررسی اشعار ایشان دید شفاف‌تری از تأثیر موقعیت تاریخی و فرهنگی بر گفتمان شعری این عصر به دست می‌دهد؛ از سوی دیگر، نگاه حساس آن‌ها به جامعه و مسائل پیرامونی‌اش معمولاً رنگ انتقادی داشته و این

امر موجب شده است که بتوانیم ایشان را در ردیف شاعران منتقد در دوره معاصر ایران جای دهیم.

از آنجاکه هریک از شعرای نام برده، با توجه به زمینه‌های اجتماعی عصرشان و ویژگی‌های زندگی شخصی و اجتماعی‌شان، به زن نگاه متفاوتی دارند، بنابراین گفتمان خلق شده آن‌ها نیز متفاوت خواهد بود. باید توجه داشت، آثار نویسندگان و شاعران برجسته ظرفیت‌های لازم را برای گسترش و جای‌گیری در نهاد اجتماعی و فرهنگی دارد؛ اما پیشروی هر یک از این گفتمان‌ها طبق شرایط حاکم بر جامعه متفاوت خواهد بود.

با نگاه عمیق‌تر به دو محور گفته شده، کتابی که پیش رو دارید در بردارنده سه موضوع اصلی است که در آن نویسنده سعی داشته با پیوندشان با یکدیگر، بستری مناسب را جهت درک تأثیر زبان، اجتماع و تاریخ بر روی متون ایجاد کند؛ این سه زمینه شامل سیمای زن، رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی به ویژه الگوی فرکلاف و سوم ادبیات معاصر ایران (اشعار شاملو و فرخ‌زاد) است؛ به عبارت دیگر، بررسی جایگاه زن در شعر معاصر ایران — با تکیه بر اشعار شاملو و فرخ‌زاد — از دیدگاه فرکلاف، تحلیل جامع و شناخت کاملی را در جهت تأثیر عوامل فرامتنی بر متن ارائه می‌دهد.

در فصل اول به پیشینه تفکر درباره زن در فرهنگ ایران پرداخته شده است که برای مطالعه دقیق‌تر، در چهار بخش مجزا از هم تفکیک شده است. در بخش اول به بررسی سیمای زن در ایران باستان پرداخته و توضیحات آن در بخش‌های جزئی‌تری تحت عنوان زن در اسطوره، تاریخ باستان و متون مقدس به‌طور مجمل بیان شده است. در بخش دوم سیمای زن در اسلام در دو مبحث قرآن و متون عرفانی اسلامی مورد بررسی قرار گرفت. در بخش سوم به سیمای زن در متون ادبی کلاسیک اعم از متون ملی و ترجمه شده پرداخته شده است. در نهایت در بخش پایانی سیمای زن در دوره مشروطه‌خواهی بررسی شد که در واقع

می‌توان گفت این بخش از فصل اول، مهمترین نقش را در پیوند با ادبیات معاصر ایفا می‌کند.

در فصل دوم و سوم با بکارگیری ابزارهای تحلیل متن همچنین با در نظر داشتن سیر تحولات گفتمان‌های تثبیت شده‌ای که در فصل اول به آن پرداخته شد، سیمای زن در اشعار احمد شاملو و فروغ فرخ‌زاد از منظر تحلیل گفتمان انتقادی، به‌ویژه مدل فرکلاف، بررسی شده است. در نهایت حاصل تحلیل‌های صورت گرفته در فصل چهارم گردآوری شده است.

در پایان باید از تمام کسانی که به نحوی در نگارش کتاب حاضر همکاری داشته‌اند، به‌ویژه دکتر حسن اکبری بیرق و دکتر علی اردستانی، کیان کیانی و خانم لیلا صادقی تشکر و قدردانی نمایم.

فریبا ملاجفری